

امروز شما

فروردین
امروز احساس می کنید که انگار دارید در دنیای دیگری سیر می کنید، اما این فاصله از دنیای واقعی نه تنها بد نیست، بلکه به نفع شما هم تمام خواهد شد. قدرت تخیل و خلاقیت شما در سطح بسیار بالایی قرار گرفته اند و اگر قصد انجام یک کار هنری و یا پروژه خلاقانه را داشته باشید بدون شک نتیجه ای فوق العاده به دست خواهید آورد.

اردیبهشت
گروه دوستان شما امروز به صورت غیرمنتظره ای به هم خیلی نزدیک تر از قبل شده است و اعضای آن نسبت به هم حس می مانند یک خانواده را دارند. شما تمام سعی خود را برای کمک به این افراد خواهید کرد.

خرداد
شاید امروز بخواهید همراه با سایر اعضای خانواده تان به یک فعالیت تفریحی هیجان انگیز بپردازید. با توجه به سطح انرژی فعلی شما این می تواند فرصت خیلی خوبی باشد تا کمی از این انرژی مضاعف را تخلیه کنید.

تیر
یکی از اعضای خانواده و یا دوستان تان که در شهر و یا کشور دیگری زندگی می کند تصمیم گرفته است که به دیدن شما بیاید و این موضوع شما را به شدت هیجان زده و خوشحال کرده است.

مرداد
امروز تبادل نظر با یکی از اعضای خانواده تان می تواند زمینه ساز پیشرفت حرفه ای و کسب درآمد بیشتر برای شما باشد، پس به سادگی از کنار صحبت هایی که در این مورد دارید نگذرید.

شهریور
اگر لازم است که یک کار اداری را به انجام برسانید و یا یک درگیری حقوقی دارید، با قصد دارید معامله ای را به حالت رسمی دریاورید امروز بهترین فرصت ممکن برای انجام این کار خواهد بود.

مهر
امروز خانه و مسائل خانوادگی برای شما از هر چیز دیگری مهم تر هستند و ترجیح می دهید که تمام وقت خود را صرف آنها کنید. شاید بخواهید بیشتر روزتان را به نظافت منزل اختصاص بدهید.

آبان
امروز یک چیزی که شاید نام آن را سرنوشت بگذارید شما را در برابر شخصی قرار خواهد داد که ممکن است بعدها بفهمید همان نیمه گمشده شما است و یا شاید هم یک دوست خیلی صمیمی یا حتی صمیمی ترین دوستان را سر راهتان قرار دهد.

آذر
امروز برخی درگیری ها بین اعضای خانواده تان به وجود خواهند آمد که همه برای مدتی سعی در سرکوب و مخفی نگه داشتن آنها داشته اند، اما حالا دیگر نمی توانند به این روند ادامه دهند.

دی
امروز یکی از دوستان و یا اعضای خانواده با شما تماس خواهد گرفت. او عصبی و آزرده خاطر است و به یک نفر نیاز دارد که به حرف هایش گوش کند و به او آرامش بدهد.

بهمن
شما در حال حاضر اعتماد به نفس بسیار بالایی دارید و احساس می کنید که موظف هستید به آن دسته از اطرافیان خود که از داشتن این نعمت باارزش، یعنی داشتن اعتماد به نفس، محروم هستند کمک کنید.

اسفند
امروز برای شما روز فوق العاده ای خواهد بود. انرژی جسمانی شما در سطح بالایی قرار گرفته است و از لحاظ ظاهری هم خیلی بهتر و جذاب تر از همیشه به نظر می رسد.

به بهانه پایان دراماتیک سریال «شهرزاد»؛ قباد یا فرهاد؟ مسئله این است



یکی از دلایل دیگر موفقیت شهرزاد، ایده و خلاصه قصه جذاب آن است و مخاطبان شاهد یک خانواده ذی نفوذ و مافیایی ایرانی بودند که بویژه برای تماشاگران اهل سینما شباهت هایی با «پدرخوانده» داشت. ضمن این که مثلث عشقی در سریال هم عنصری تضمین شده برای ارتباط مخاطبان با اثر بود. مورد مهم دیگر کستینگ و انتخاب درست بازیگران نقش های اصلی و تعیین کننده سریال بود. در راس آنها باید به انتخاب بسیار مناسب علی نصیریان به عنوان بازیگر نقش بزرگ آقا دیوانسالار اشاره کرد که با کوله باری از تجربه توانست نقشی به یادماندنی و تماشایی خلق کند و تصویری ملموس و جذاب از یک پدرخوانده ایرانی ارائه دهد. ترانه علیدوستی هم انتخاب مناسبی برای بازی در نقش شهرزاد بود و توانست بازی همدلی برانگیزی در طول قصه ارائه دهد. چون علیدوستی تاکنون سابقه بازی در هیچ سریالی را نداشت، بازی در یک اثر دنباله دار و طولانی چالشی اساسی برای او به حساب می آمد که بخوبی از پس آن برآمد. شهاب حسینی که تاکنون در فیلم هایی چون درباره ای و فروشنده، تجربه همکاری خوبی با علیدوستی داشت، هم گزینه خوبی برای بازی در نقش قباد بود. حسینی موفق شد با درک درست نقش، فراز و فرودهای کاراکتر قباد را به بهترین شکل بازی کند. مصطفی زمانی هم گزینه مناسبی برای بازی در نقش فرهاد بود و موفق شد به خوبی میان عشق و وظیفه کام برادر. زمانی پیشتر در فیلم «کیفر» حسن فتعی یکی از بهترین بازی های کارنامه اش را ارائه داده بود، برای همین فتعی با شناخت کامل از توانایی های زمانی، نقش فرهاد را به او سپرده بود.

پریناز ایزدیار، مهدی سلطانی سروستانی، پرویز فلاحی پور، پانته آ پناهی ها، امیر جعفری و ابوالفضل پورعرب هم از بازیگران موفق این مجموعه بودند.

فراز و فرود
شهرزاد با این که در مجموع سریال موفق بود و رضایتمندی هایی به همراه داشت، اما شخصیت های نجیب و غیرجذاب، صحنه ها و دیالوگ های آبیکی و غیرضروری و بیپوده و البته گاف های بامزه و خنده دار کم نداشت. سه فصل شهرزاد سطح و کیفیت یکسانی نداشت و مرتب شاهد نوساناتی در قصه بودیم. شهرزاد شروع خوبی به لحاظ فضاسازی و قصه و شخصیت پردازی داشت و گره های خوبی ایجاد کرد، اما این وضعیت پیوستگی نداشت و وقتی مخاطب به داستان دل می بست و منتظر اتفاقات مهم دیگری در قصه بود، اتفاقا سریال کند و کشدار می شد و هیچ اتفاق مهمی نمی افتاد و قصه در عرض پیش می رفت.

فصل دوم شهرزاد، بزرگ ترین ضربه را از غیبت نقش بزرگ آقا خورد و به نوعی ستون سریال فرو ریخت و قصه و شخصیت ها به نوعی دچار سرگردانی شدند. دلیل اصلی این وضعیت بجز شخصیت پردازی و نقش تعیین کننده بزرگ آقا، به بازی خوب و قدرتمندانه علی نصیریان مربوط می شد. تقویض قدرت و اختیارات این کاراکتر به خواهرش بقیس دیوانسالار، بزرگ ترین اشتباه سریال در فصل دوم بود و حتی بازی خوب رویا نونهالی هم نتوانست نقش را نجات دهد و تاثیر مثبتی در قصه ایجاد کند.

حذف چنین شخصیتی علی رغم این که باید تاثیر در مخاطب ایجاد می کرد، به نحوی بی کاربرد و خنثی پیش می رود. برخی شخصیت های فرعی همچون هوشنگ به هیچ وجه برای تماشاگر مهم نیستند و زندگی خصوصی آنها چفت و بست محکمی با اثر و شخصیت های دیگر ندارد. نمک های شخصیتی فرعی مثل اصغری، سنجی با دیگر بخش های جدی درام ندارد و حتی در حد آنتراکت و استراحت قصه هم موثر نیست. سیاهه شهرزاد در این زمینه را تا سطرها می توان ادامه داد.

قباد یا فرهاد؟
احتمالاً میزان فحش و ناسزاهای تماشاگران به ویژه خانم های محترم به فرهاد در پایان شهرزاد قابل شمارش نیست، پس که دوست داشتند قباد با همه شایدهی و شارلاتانی و نقاط سیاه شخصیتی اش به شهرزاد برسد. خیلی ها در آرزوهای شهرزادی شان، خود را همدم و مونس همیشگی قباد می دیدند و سرنوشت فرهاد کمترین اهمیتی برای آنها نداشت، اما واقعا دلایل این گرایش به نقش قباد چیست؟

احتمالاً بیش از هر چیز باید به محبوبیت خود شهاب حسینی به عنوان بازیگر نقش قباد اشاره کرد. بسیاری از تماشاگران همین محبوبیت را درباره قباد لحاظ کرده اند و با وجود این که قباد به نوعی قطب منفی ماجراست، با او همذات پنداری کردند.

نکته مهم دیگر شخصیت پردازی درست و پرفراز و نشیب نقش بود و قباد مسیری پرچالش را در قصه طی کرد و از یک شخصیت خبیث و سرتق به یک قربانی تنها و عاشق و دلخسته تغییر وضعیت داد. همه اینها به اضافه بازی خوب حسینی باعث شد قباد کاراکتر پرفرودتری نسبت به فرهاد باشد. ضمن این که خاطرات خوبی که تماشاگران از همکاری های مشترک شهاب حسینی و ترانه علیدوستی داشتند، هم به این گرایش تماشاگران به حسینی دامن می زد و آنها دوست داشتند قباد و شهرزاد را در نهایت کنار هم ببینند و در این زمینه ترجیح می دادند، نقاط منفی شخصیت قباد را نبینند.

در نقطه مقابل فرهاد با این که قطب مثبت ماجرا بود، به اندازه قباد مسیر پرفراز و فرود و پرچالشی را طی نکرد. سخی بازی قباد که او در طول قصه متحمل شد، درست، اما شخصیت او بالا و پایین زیادی نداشت و مدام روی مرز عشق به یار و عشق به میهن در قالب طرفداری و نجات دکتر مصدق حرکت می کرد. راستش حسن فتعی و نغمه غمینی به عنوان نویسندگان این سریال هم در این زمینه مقصودند، چون وجه سیاسی فرهاد را بیش از حد پررنگ و شعاری ترین و گل درشت ترین حرف ها را از زبان او جاری کردند، چیزی که بشدت دافعه ایجاد می کرد و باب طبع تماشاگران عاشق پیشه نبود.

ضمن این که مصطفی زمانی با همه تلاش خود برای بازی درست و متناسب با کاراکتر، پیش از این سابقه بازی مشترک با ترانه علیدوستی را هم نداشت و از آن خاطره بازی میان حسینی و علیدوستی هم محروم بود.

«یکی بود یکی نبود. شهرزاد در هزارویکمین شب روایت خود گفت: ای ملک جوانبخت اکنون که احوال تو دگرگونی یافت و به درک رنج آدمی نائل شدی، آسوده باش که سبکبار شدی و پیراسته و نوبه قرار و آرامش توست و موعود خواب آیدی. خواب های طلایی که شاید همان رویاهای از دست رفته بیداری تو باشد.» این آخرین جملات قصه ای است که شهرزاد بر پایین خونین قباد در سریال «شهرزاد» می گوید. مجموعه ای که در قالب سه فصل و در مدت زمانی سه سال، بخشی از جامعه را به دنبال خود کشید و سرانجام در همین دوشنبه به نقطه پایانی رسید.

شهرزاد با وجود ایرادات و نقاط ضعفی در متن و ساختار، در مجموع موفق شد به دلایل متعدد، توجه بخشی از جامعه و علاقه مندان فیلم و سریال را به خود جلب کند و باعث شود آنها هر هفته با جدیت و کنجکاوی، پیگیر داستان و سرنوشت شخصیت ها باشند. شهرزاد در سال هایی که کیفیت و سطح تولیدات مدیوم های نمایشی در مجموع چندان بالا نبود، موفق شد عناصری جذاب برای تماشا به مخاطبان تشنه قصه های دیدنی و شنیدنی عرضه کند و تا حدی پاسخگوی نیازهای آنها در این زمینه باشد. اگر بخواهیم منصفانه و بدون حب و بغض به این ماجرا نگاه کنیم، باید تولید یک اثر استاندارد وطنی را حالا در هر مدیوم و از طریق هر رسانه قانونی و مجازی به فال نیک بگیریم و به ساخت آثاری از این دست، امیدوار باشیم. چرا که شهرزاد به سهم و نوبه خود در حد بضاعتش، باعث شد بخشی از جامعه که به بهانه کمبود فیلم های جذاب داخلی، همواره مترصد تماشای سریال های سطح پایین و مبتذل شبکه های ماهواره ای فارسی زبان هستند، دست کم موقع عرضه هنگی آن به آثار وطنی دل ببندند و بر امتیازات آن صحنه بگذارند. کاری که برخی سریال ها و برنامه های رسانه ملی همچون پایتخت، کلاه قرمزی، دورهمی و خندوانه هم در این چند وقت اخیر به نحو احسن آن را انجام داده اند و مانع توجه مخاطبان ایرانی به فیلم و سریال های فریبنده اما در اصل مخرب ترکی و... شده اند. مسیری که سازندگان آثار تلویزیونی و سینما و شبکه نمایش خانگی باید بیش از اینها به آن اهتمام داشته باشند و در قالب فیلم و سریال ها و برنامه هایی جذاب، غنی و پرمحتوا باعث جذب حداکثری مخاطبان شوند.

شهرزاد اگرچه به ویژه در آن اوایل پخش و فصل اول، کمی بیش از اندازه گول ظاهر فریبنده برای جذب برخی تماشاگران را خورد و تمرکز غیرمتعارفی روی برخی صحنه ها و نوع پوشش بازیگران برای جلب نظر مخاطبان گذاشت، اما در ادامه بیشتر به متن و قصه گویی فارغ از جذابیت های کاذب پسند کرد و توانست به مسیر متعارفی قدم بگذارد. در ابتدا فعالیت در شبکه نمایش خانگی این تصور را برای سازندگان شهرزاد به وجود آورده بود که می توانند از فضای باز این مدیوم بهره برداری کنند و آن صحنه هایی که مغایر با نگاه رسمی است و به دلیل احترام به باورها و اعتقادات مردم و جامعه جایی در رسانه ملی و سریال های تلویزیونی ندارد، را به مقدار لازم و حتی بیش از آن در سریال استفاده کنند. ولی مخاطبان در درازمدت دیگر روی خوشی به این بهره برداری ها نشان نمی دادند و دوست داشتند یک قصه خوب و منسجم در دنبال کنند، نه میخاگرگی شخصیت ها و برخی صحنه های نامتعارف و هنجارشکن را.

موفقیت همین سریال ها و برنامه های تلویزیونی بدون این که ذره ای به این تابوشکنی های فرامیلتی و بی کاربرد قسمت های ابتدایی شهرزاد نزدیک شود، حثای این ترفند را بی رنگ و ثابت کرد برای جذابیت موثر نیازی به صحنه های اضافه و فریبنده نیست و این متن و فیلمنامه است که حرف اول را در درام می زند.

دلایل موفقیت
یکی از مهم ترین دلایل موفقیت را باید به حضور حسن فتعی به عنوان کارگردان دانست. فیلمسازی که کارنامه درخشانی در تلویزیون دارد و به پشتوانه ساخت سریال های موفق و ماندگار در رسانه ملی همچون میوه ممنوعه، پهلوان نمی میرد، شب دهم و مدار صفر درجه، اثر خوب دیگری به مجموعه کارهایش اضافه کرد و نشان داد راه ارتباط با مخاطب را خوب بلد است.

روز جهانی اهدا کنندگان خون گرامی باد



نجف به وقت افطار



ماه مبارک رمضان، بازار و خیابان های منتهی به حرم امیرالمؤمنین در نجف اشرف، هر روز شاهد صحنه های زیبای صفا و سادگی پختن نذورات و صرف افطاری های ساده و صمیمی بین زائران و مجاوران روزه دار مولای متقیان علی (ع) است که حال و هوای معنوی و خاصی به خود گرفته است.